

قضاء و چگونگی آفرینش عدالت

فصل جدید

ریشه یابی اثرات عملکردهای ارگانهای حراست حقوق و قانون (کشف و تحقیق، پولیس، ثارنوالی و قضاء) در ایجاد قوت و ضعف عدالت قضائی:

قسمت (بیست و سوم)

مرتبط بر قسمت «بیست و دوم»

اکنون جا دارد که این بخش را با توضیحات لازم مضاعف بر پاسخ پرسشهای مطرح شده قبلی دنبال نماییم:

بحث توضیحی در ارتباط به صفحه محاکمه:

زمانیکه جلسه قضائی طور قانونی تدویر می یابد در آن مرتبط به قضایای کیفری و دعوای حقوقی تازمان اصدار حکم چی می گذرد و قضات بر باور من به چی نوع اجرائاتی ضرورت دارند تا عدالت نسبی قضائی تأمین شود؟.

ازحافظه تاریخ و تجارب کار عملی در عرصه های قضایای مدنی و کیفری می توان نتیجه گرفت که انگیزه های ارتکاب جرایم که در نهایت سبب وقوع آن می گردد بطوراکثر در مواردیکه در این مبحث تذکار می دهیم ویاسایر مواردیکه باعث ظهور وتبارز جنایات می گردند همین علل و انگیزه های تواند باشد: در ردیف اول هسته و مرکز دولت مداری های ناسالم بگونه رسمی در سر منشأ چنین اعمال قرار داشته و در امتداد آن عدم وجود قانون و حاکمیت آن، نظامهای سیاسی خود خوانده و بی مسئولیت، حکومت غیر مشروع، عدم پایبندی بر حقوق افراد جامعه بگونه همسان و برابر، وجود امتیاز و امتیاز دهی در بین اقوام، بی اعتنائی به نظام حقوقی کشور، کج رفتاری ارگان های حراست و حفاظت از قانون و یا نادیده گرفتن سیادت قانون، پرونده سازی های غیر حق و به محاکمه کشاندن اشخاص بیگناه، شریک شدن و سهم گیری اعضای قدرت حاکم در چنین معصیت و گناه ها، محو عدالت حقوقی و اتلاف حق مظلوم، نبود عدالت قضائی و أمثال آن ویابطور عام عدم وجود عدالت اجتماعی که در جغرافیا و محدوده هر جامعه و مملکتی راه یابد سبب شیوع جنایات و ناامنی هادر نفس جامعه و کشور میگردد.

ولی علاوه بر آنچه تذکار رفت زیاده ترین انگیزه ها نیز شامل نفس جامعه، اعمال افراد جامعه که مسئولیت های شخصی و فردی دارند تبارز می نماید، اما از یاد نمی بریم که بگونه فیصدی در این عرصه هم بطور کل و یا بخشی از قدرتها و اشخاص نیدخل در حاکمیت نیز نیدخل چنین وقایع، قضایا، حوادث و انگزه ها می باشند، که میشود مهمترین آنها را به اینگونه بر شمرد:

بیسوادی، بیکاری، غربت و تنگدستی، جمع آوری مکنت و دارائی از راهای غیر مشروع، انحرافات اخلاقی، مبادرت ورزیدن با اعمال خلاف روحیه اجتماع، موجودیت عناد و خصومت‌های ذات البینی، و بی اعتنا بودن به اوامر قانونی، عدم رعایت حق خود و تجاوز به حقوق دیگران هم نشینی با رهروان همین اعمال و امثالهم که در پیکر آنچه عرض کردم الحاق میگردد.

ومن با درک و فهم فیصدی خود چنین انگیزه ها را در دوران کار عملی خویش یافته ام. زمانیکه موجودیت جرم و مشروعیت جزاء بر مبنای قانونیت جرم و جزاء بمیان می آید: ناگزیر پای بررسی و حقیقت یابی و چراهای وقوع و علل و انگیزه های آن مطرح میگردد که در آن - دوره کشف، گرفتاری، تحقیق و تدقیق شامل بوده و با اتمام این مراحل مرحله تعیین اصدار حکم و نتایج نهایی اعمال در صفحه محاکمه فرا رسیده مرتکبین جرایم نتایج اعمال خود ها را می بینند، و نتایج مجموعی موضوعات ارائه شده در چگونگی تأمین عدالت در ظاهر امر و یا عدم تأمین عدالت که علل و چراهای آن در بررسی مراحل یاد شده و به تعقیب در پیروی از آن پروسه در صفحه محاکمه بسا واقعیت می تواند مکتوم و پوشیده بماند.

بگونه مثال اگر در یک پرونده ی قتل از ابتدای تحقیق و تدقیق و بعد اقامه دعوی ثار نوال یا مدعی العموم که به پیشگاه محکمه شخصی را متهم به قتل و قاتل معرفی و مستوجب جزاء می شمارند و از محکمه استغاثه جزاء می کنند محکمه هم بر روال معمول و برویت مندرجات اوراق اصدار حکم و متهم را محکوم می سازد و پس از اتمام این پروسه ناگهان مقتول زنده پیدا و حیات آن بطور مشهود و هویدا در انظار نمایان میگردد. که این موضوعات مهم در پژوهش زیر کار من که بطور مستقیم و غیر مستقیم در تأمین عدالت اجتماعی بطور کل و در عدالت قضائی بطور خاص منوط است مهمترین اهداف در ایجاد عدالت شمرده میشود. با حرمت سخی صمیم.

ادامه دارد:
